



در جهان بینی اسلامی سعادت گرایی اصالت دارد، نه لذت گرایی

حجت الاسلام خسروپناه گفت: در جهان بینی اسلامی سعادت گرایی اصالت دارد، نه لذت گرایی؛ جهان بینی‌ها می‌توانند تمدن ساز یا تمدن سوز باشند...

حجت الاسلام خسروپناه گفت: در جهان بینی اسلامی سعادت گرایی اصالت دارد، نه لذت گرایی؛ جهان بینی‌ها می‌توانند تمدن ساز یا تمدن سوز باشند

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه در گفت‌وگو با نشریه «خردنامه همشهری» در تبیین مفهوم سبک زندگی به ارتباط تمدن با فرهنگ پرداخته و از ارتباط حکومت‌ها با تغییر در سبک زندگی سخن گفته است. وی جهان بینی اسلامی را دارای قابلیت تمدن سازی می‌داند، همانطور که در گذشته چنین بوده است. او تصریح می‌کند در جهان بینی اسلامی سعادت گرایی اصالت دارد و این را امتیازی بر لذت گرایی جهان بینی‌های مادی می‌داند.

حجت الاسلام خسروپناه در ابتدای این مصاحبه می‌گوید: «تمدن اسلامی مجموعه نرم افزارها و سخت افزارهای بشری است که با مبانی و رویکرد اسلامی تحقق پیدا می‌کند. به نظر بنده، تمدن یک معنای عام دارد که فرهنگ جزئی از آن است؛ یعنی تمدن مجموعه دستاوردهای نرم افزاری و سخت افزاری بشر است. اگر این تعریف را بپذیریم، آنگاه تفاوت تمدن‌ها در مبانی و رویکردها و اهداف باعث می‌شود که تمدن را به دو قسم تقسیم کنیم: تمدن اسلامی و غیراسلامی.»

وی با اشاره به اینکه سبک زندگی به معنای کنش اجتماعی جزئی از فرهنگ اجتماعی است تأکید می‌کند: «سبک زندگی جزئی از فرهنگ است، و فرهنگ جزئی از تمدن به شمار می‌رود. پس تفاوت تمدن و فرهنگ اسلامی و غیراسلامی طبیعتاً می‌تواند ناشی از تفاوت سبک زندگی اسلامی و غیراسلامی باشد.»

خسروپناه درباره امکان تمدن سازی اسلامی می‌گوید: «اسلام آموزه‌های معرفتی بسیار دارد که این آموزه‌ها در بحث تمدن سازی، به ما کمک فراوانی خواهد کرد. وقتی اسلام به رشد و تمدن سازی توصیه می‌کند، بدین معنا نیست که تمدن‌های موجود را به طور مطلق نفی کرده است. شاهد آنکه در قرن سوم هجری، مسلمانان از تمدن یونان باستان، روم، ایران، مصر و هند باستان استفاده می‌کردند. به بیان دیگر، مسلمانان همه آن آموزه‌ها و مولفه‌هایی را که با اسلام تعارض نداشتند، می‌گرفتند و آن‌ها را به کار می‌بردند؛ ولی آن‌ها را بومی سازی و اسلامی سازی می‌کردند. خودشان این تمدن را بالنده می‌کردند.»

وی دو شرط مقدماتی را برای تحقق این هدف عنوان می‌کند: «اولین شرط آن، پذیرش عقلانیتی است که زمینه را برای تمدن سازی فراهم می‌کند. در واقع، عقلانیت شرط لازم تمدن سازی است. شرط دوم این است که دولت‌ها درک عمیقی از این مسئله پیدا کنند. اگر دولت‌های اسلامی واقعا دغدغه تمدن سازی داشته باشند، در این مقطع می‌توانیم به یک تمدن دست یابیم.»

حکومت و سبک زندگی

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران معتقد است: «حکومت‌ها و دولت‌ها در تمدن سازی و به تبع آن، در ایجاد سبک زندگی نقش بسیار موثری ایفا کرده‌اند و می‌کنند. با نگاهی به تاریخ جهان در می‌یابیم که حکومت‌ها و دولت‌ها نقش پررنگی در تمدن سازی یا تمدن سوزی ایفا کرده‌اند... طبق آموزه‌های حضرت امام (ره)، مهم‌ترین عامل رشد تمدن جوامع، حکومت‌ها هستند و مهم‌ترین عامل انحطاط هم حکومت‌ها هستند. اگر حکومتی استعمار پذیر و استبدادپذیر باشد و طالب آزادی مشروع و عدالت اجتماعی و سعادت جامعه نباشد، تمدنی نیز کسب نخواهد کرد و زیر یوغ استعمارگران و استبدادگران باقی خواهد ماند.»

خسروپناه علاوه بر ماهیت حکومت، زندگی سالم زمامداران را نیز شرط لازم می‌داند و می‌گوید: «اگر زمامداران و حاکمان در رفاه کامل به بسر ببرند، گرفتار افراط و تفریط و تبذیر اقتصادی شوند، به رشوه خواری و رانت خواری و اختلاس آلوده شوند و تجمل گرایی باعث آلودگی ادارات و زندگی مسئولان شود، این مسائل بر افراد جامعه هم اثر منفی می‌گذارد. در روایت می‌خوانیم: «الناس علی دین ملوکهم». نباید انتظار داشته باشیم که توده مردم سبک زندگی اخلاقی و انسانی داشته باشند؛ ولی مسئولان از این ویژگی دور باشند. اساساً نوع سخن گفتن مسئولان، ادبیات، کردار، منش و کنش آن‌ها حتی با مخالفان، در تربیت جامعه به شدت تأثیرگذار است.»

وی دو نکته مهم در ارتباط حکومت‌ها با سبک زندگی را به این ترتیب خلاصه می‌کند: «اول اینکه حکومت‌ها و دولت‌ها در تمدن سازی و تمدن سوزی در طول تاریخ نقش ایفا کرده و خواهند کرد. دوم اینکه روش آن‌ها در سبک زندگی مردم هم موثر است.»

جهان بینی و سبک زندگی

به نظر این استاد فلسفه اسلامی: «همه تمدن‌ها از جهان بینی‌هایی پیروی می‌کنند. جهان بینی به معنای یک مرام نامه دنیوی، از مولفه‌های تمدن سازی است و همه کشورها به آن نیاز دارند. البته جهان بینی‌ها می‌توانند تمدن ساز یا تمدن سوز باشند؛ چون یک مرام نامه دنیوی هستند. مثلاً مرام نامه دنیوی صوفیانه می‌تواند علم را کنار بزند و مانع تمدن سازی شود و فقط به جنبه معنویت بسنده کند. همچنین ممکن است دیگری فقط به مسائل دنیوی توجه کند. جهان بینی اسلامی در پی این است

که توجه به مادیات و معنویات را در کنار هم جمع کند.»

وی پس از با اشاره به دو جهان بینی لیبرالیستی و سوسیالیستی، که یکی بر آزادی و دیگری بر عدالت تأکید کرده، جهان بینی اسلامی را ترکیبی از دغدغه عدالت و آزادی می‌داند و می‌افزاید: «جهان بینی اسلامی مزایایی دارد که آن جهان بینی‌ها از آن‌ها بی‌بهره‌اند و آن این است که به سعادت دنیوی در راستای سعادت اخروی توجه کرده است؛ به همین دلیل، سکولاریسم را نمی‌پذیرد. آن دو جهان بینی به آخرت بی‌توجه‌اند و فقط به دنیا توجه می‌کنند؛ از این رو، لذت گرایی اصالت پیدا می‌کند، نه سعادت گرایی. در مجموع، جهان بینی اسلامی از نظر معرفتی و الگو بودن، به طور قطع، می‌تواند به خوبی در مقابل جهان بینی سوسیالیستی و لیبرالیستی قرار بگیرد.»

.....
* گفت‌وگوی فوق‌الذکر در صفحات ۵۲ تا ۵۵ از شماره ۱۳۴ نشریه «خردنامه همشهری» با عنوان «مسئولیت حاکم بودن؛ نگاهی به نقش و کارکرد سبک زندگی در تمدن سازی» منتشر شده است.